



بررسی فقهی نرخ سپرده قانونی از ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی

پدیدآورنده (ها) : طلایی، علیرضا

اقتصاد :: نشریه فقه اقتصادی :: زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۵

صفحات : از ۹۲ تا ۱۲۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1394105>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حمله آمریکا به افغانستان از منظر واقع گرایی و لیبرالیسم
- روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن
- پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان
- بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی دآوری تجاری بین المللی
- امتناع از شناسایی و اجرای آرای دآوری خارجی باطل شده
- حق کودک به آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر
- بررسی مقایسه ای کارایی مدل ریسک سنجی و مدل اقتصادسنجی GARCH در پیش بینی ریسک بازار در بورس اوراق بهادار تهران
- عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث
- مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصاد سیاسی بین‌الملل
- الگوی نظارت شرعی بر بانک های کشور بر اساس دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی
- تحلیلی بر روش های ارزیابی کارایی بازار سرمایه در ایران
- بررسی اهمیت عوامل موثر بر کارایی بازار بورس ایران از دیدگاه سرمایه گذاران

عناوین مشابه

- تحلیل فقهی - حقوقی مساله اتحاد مالکیت و تاثیر آن در طراحی ابزارهای سیاست پولی توسط بانک مرکزی؛ گذار به بانکداری اسلامی
- سیاست تحدید اعتبارات یکی از ابزارهای عمده سیاست های پولی بانک مرکزی در برنامه اول و دوم توسعه
- بررسی اثر کیفیت نهادی (فساد) و عدم سلطه مالی (استقلال بانک مرکزی) بر سیاست بهینه پولی با استفاده از رویکردهای DSGE و STAR
- بررسی نظری اثر ابزارهای سیاست پولی بر توزیع درآمد از دیدگاه اقتصاد اسلامی
- تحولات واحد پولی و نرخ برابری در ایران (قسمت ششم): سیاستها پولی و ارزی ایران، از تشکیل کنسرسیوم تا تاسیس بانک مرکزی ایران (۱۳۳۹ - ۱۳۳۳)
- طراحی الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی به منظور بررسی تاثیر سیاست پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی از مسیر تسهیلات بانک
- بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی
- بررسی تاثیر سیاست های پولی بانک مرکزی بر خلق پول توسط سیستم بانکی
- بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی با تاکید بر نقش استقلال بانک مرکزی
- بررسی سرریز سیاست پولی بانک مرکزی اروپا بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران: یک رهیافت ساختاری

بررسی فقهی نرخ سپرده قانونی از ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی.

علیرضا طلائی^۱

چکیده

بانک مرکزی، برای اجرای سیاست های پولی، ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد. تغییر نرخ سپرده قانونی از جمله ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی است، که در گذشته به انگیزه تأمین امنیت بخشی از سپرده های مردم و جلوگیری از ورشکستگی بانک ها وضع شد اما امروزه انگیزه اصلی برای رعایت این ضابطه، کنترل حجم پول و نقدینگی است. بانک های تجاری ملزم به نگهداری نسبتی از سپرده های مردم نزد بانک مرکزی هستند. سیاست پولی، شاخه ای از سیاست اقتصادی و به طور کلی، مجموعه تدابیری است که دولت به منظور نظارت بر نظام پولی و حفظ ثبات نسبی ارزش داخلی و خارجی پول در جامعه پیش می گیرد. بانک مرکزی از راه افزایش نسبت سپرده قانونی حجم تسهیلات اعطایی بانک ها را متقبض و از راه کاهش آن، اعتبارهای بانک ها را منبسط می کند. یکی از موضوعاتی که از آن بحث می شود، مساله پرداخت

بهره به سپرده قانونی است . پیروان نظریه پرداخت بهره به سپرده های قانونی، اعتقاد دارند که این سپرده ها همانند اوراق قرضه، نوعی بدهی بخش دولتی به شمار می روند و باید به آن ها بهره ای مناسب تعلق گیرد . در مقابل، گروهی بر این عقیده پای می فشارند که عدم پرداخت بهره، در حقیقت دریافت نوعی مالیات از سوی بانک مرکزی از بانک ها است که این خود باید در کنار سیاست کلی مالیاتی کشور بدان توجه شود. در این مقاله، ابتدا به کارگیری این ابزار را در ادبیات اقتصاد اسلامی مطالعه کرده، سپس ماهیت آن را از دیدگاه فقهی بررسی و با طرح دیدگاه های گوناگون درباره سپرده های بانکی، ماهیت ذخایر را در دو محور «ذخایر قانونی بر سپرده های دیداری و پس انداز» و «ذخایر قانونی بر سپرده های سرمایه گذاری» بررسی کرده، به پرسش های ذیل پاسخ می دهیم.

۱. آیا بانک مرکزی می تواند بخشی از سپرده ها را تحت عناوینی چون ذخیره قانونی نزد خود نگه دارد؟
 ۲. آیا بانک مرکزی می تواند از این ذخایر استفاده هم کند (در اختیار بانک های دیگر قرار دهد)؟
 ۳. آیا بانک مرکزی موظف است برای این اندوخته ها سود بپردازد و سود متعلق به سپرده گذار ست یا بانک؟
 ۴. راهکار فقهی و شرعی برای این ابزار ضروری بانک مرکزی چیست و با استفاده از کدام یک از عقود اسلامی می توان کارایی این ابزار را در بالاترین سطح در بانکداری اسلامی حفظ کرده و مشکل ربا نیز حل کرد؟
- کلمات کلیدی:** بانک، بانک مرکزی، ذخیره قانونی، قرض، سپرده های بانکی.

مقدمه

نسبت سپرده قانونی از جمله ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی است، که در گذشته به انگیزه تأمین امنیت بخشی از سپرده های مردم و جلوگیری از ورشکستگی بانک ها وضع شد اما امروزه انگیزه اصلی برای رعایت این ضابطه، کنترل حجم پول و نقدینگی است. بانک های تجاری ملزم به نگهداری نسبتی از سپرده های مردم نزد بانک مرکزی هستند. بانک مرکزی از راه افزایش نسبت سپرده قانونی حجم تسهیلات اعطایی بانک ها را منقبض و از راه کاهش آن، اعتبارهای بانک ها را منبسط می کند. طبق ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی نسبت سپرده قانونی از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود و بانک مرکزی ممکن است بر حسب ترکیب و نوع فعالیت بانک ها نسبت های متفاوتی برای آن تعیین کند. این ذخیره ها به شکل سپرده در بانک مرکزی نگهداری می شود^۱.

بانک مرکزی با کاهش نرخ ذخیره قانونی، تقاضا برای تنزیل اوراق را کاهش می دهد و باعث انتقال منحنی تقاضای تنزیل اوراق به سمت پایین می شود؛ به دنبال آن، نرخ تنزیل در بازار بین بانکی کاهش می یابد و این امر باعث می شود که میزان ذخیره های عرضه شده افزایش پیدا کرده و به دنبال آن، میزان نقدینگی در بازار بین بانکی افزایش خواهد یافت. عکس این حالت برای سیاست انقباضی پولی اتفاق می افتد. سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی یکی از مهمترین اقداماتی که در جهت استفاده مطلوب از ابزارهای غیرمستقیم پولی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت گرفت، اجازه افتتاح حساب سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی است که در اواخر سال ۱۳۷۷ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. هدف اصلی از اجرای این طرح، اعمال

سیاستهای پولی مناسب جهت کنترل و مهار نقدینگی از طریق جذب منابع مازاد بانکها بوده است. لازم به ذکر است که بانک مرکزی به سپرده ویژه بانکها نزد خود براساس ضوابط خاصی سود پرداخت می‌کند.

سیاست پولی، شاخه‌ای از سیاست اقتصادی و به طور کلی، مجموعه تدابیری است که دولت به منظور نظارت بر نظام پولی و حفظ ثبات نسبی ارزش داخلی و خارجی پول در جامعه پیش می‌گیرد.

بانک مرکزی، برای اجرای سیاست‌های پولی، ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد. کاربرد این ابزارها در زمان‌ها و در کشورهای گوناگون (باتوجه به تفاوت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی)

یکسان نیست و انتخاب ابزار مناسب باید با در نظر گرفتن این وضعیت باشد. نظارت بر حجم پول و تعیین میزان مناسب آن به طور معمول از طریق ایجاد تغییراتی در پایه پولی، ضریب فزاینده پولی یا هر دو انجام می‌شود. ابزارهای «عملیات بازار باز» و «تغییر در نرخ تنزیل» از طریق تغییر در پایه پولی بر حجم پول تاثیر می‌گذارند.

در بانکداری سنتی، ابزاری که ضریب فزاینده پولی را تغییر داده، اعمال سیاست پولی را از آن طریق ممکن می‌سازد، تغییر در نرخ ذخیره قانونی است که در این مقاله از آن بحث می‌شود.

یکی از موضوعاتی که به طور معمول درباره نسبت سپرده‌های قانونی از آن بحث می‌شود، مساله پرداخت بهره به سپرده قانونی است. پیروان نظریه پرداخت بهره به سپرده‌های قانونی، اعتقاد دارند که این سپرده‌ها همانند اوراق قرضه، نوعی بدهی بخش دولتی به شمار می‌روند و باید به آن‌ها بهره‌ای مناسب تعلق گیرد. در مقابل، گروهی بر این عقیده پای می‌فشارند که عدم پرداخت بهره به سپرده‌های قانونی، در حقیقت دریافت نوعی مالیات از سوی بانک مرکزی از بانک‌ها است که این خود باید در کنار سیاست کلی مالیاتی کشور بدان توجه شود. به عبارت دیگر، این عده معتقدند که چون

پس اندازکنندگان، از تسهیلات بانکی بهره مند می شوند و مالیاتی بابت آن نمی پردازند، عدم دریافت بهره، نوعی پرداخت مالیات غیر مستقیم از سوی صاحبان سپرده به شمار می آید. در بانکداری سنتی افتتاح سپرده نزد بانک بر اساس قرض با بهره بوده و پرداخت سود بر اساس نرخ مصوب بانک مرکزی صورت می گیرد ولی در بانکداری اسلامی از طرفی نظام بانکداری و اعمال سیاستهای پولی بانک مرکزی مبتنی بر این ابزار بوده و ناگزیر به کارگیری سپرده قانونی بانک ها نزد بانک مرکزی بوده و از طرفی پرداخت و دریافت مازاد بر میزان اصل سپرده که به عنوان قرض می باشد ربا محسوب شده و حرام می باشد.

۱- ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی

معمولا در تمامی کشورهای جهان مسئولیت اجرای سیاستهای پولی، بر عهده بانکهای مرکزی است. بنابراین، بانکهای مرکزی برای دستیابی به اهداف اقتصادی، ابزارهای مختلفی را در اختیار دارند. این ابزارها در طول زمان دستخوش تغییراتی گردیده و در هر کشور با در نظر گرفتن خصوصیات خاص اقتصادی و سیاسی آن کشور متفاوت بوده و لذا کاربرد این ابزارها در زمانهای متفاوت و در کشورهای مختلف با توجه به تحولات و تفاوت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی یکسان نمی باشد. انتخاب ابزارها، روشها و کاربرد آنها بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی داشته و دارد. (برای مثال برخی از ابزارها نرخ بهره که در نظام بانکداری ربوی متداول و کاربرد وسیعی دارند. در نظام بانکداری بدون ربا، اساسا کاربردی ندارد). به عبارتی، وظیفه بانک مرکزی در جهت تاثیر بر متغیرهای کلان - اقتصادی از طریق اعمال سیاست پولی ایجاب میکند که امکاناتی چه از جهت کنترل عرضه پول و چه برای تاثیر بر تقاضای پول در اختیار داشته باشد. از این نوع امکانات که قانون یا مقررات دیگر در اختیار بانک مرکزی قرار می دهد، ابزارهای سیاست پولی یاد می شوند. بنابراین، بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف فوق، از طریق سیاست های پولی، ابزارهای مختلفی در اختیار دارد که متناسب

با شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند و از جهت تأثیر گذاری با یکدیگر متفاوت‌اند. به طوری که برخی سریع و برخی به تدریج موثر واقع خواهد شد.

در اجرای سیاست پولی، بانک مرکزی می‌تواند مستقیماً از قدرت تنظیم‌کنندگی خود استفاده نموده و یا به طور غیرمستقیم از اثرگذاری بر روی شرایط بازار پول به عنوان انتشار دهنده پول پر قدرت (اسکناس و مسکوک در جریان و سپرده‌های نزد بانک مرکزی) استفاده نماید. بر همین اساس دو نوع ابزار سیاست پولی قابل تفکیک می‌باشد که ابزارهای مستقیم (عدم اتکا بر شرایط بازار) و غیرمستقیم (مبتنی بر شرایط بازار) سیاست پولی نامیده می‌شوند. ابزارهای سیاست پولی در ایران بر مبنای تفکیک مذکور به شرح ذیل می‌باشد.

۱-۱- ابزارهای مستقیم

۱-۱-۱- کنترل نرخ‌های سود بانکی: در کشور ما با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و معرفی عقود با بازدهی ثابت و مشارکتی، ضوابط تعیین سود و یا نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانکها و حداقل و حداکثر سود و یا بازده مورد انتظار بر طبق ماده (۲) آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بر عهده شورای پول و اعتبار می‌باشد. همچنین بر طبق ماده (۳) آیین‌نامه فصل چهارم قانون مذکور بانک مرکزی

می‌تواند در تعیین حداقل نرخ سود (بازده) احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و نیز تعیین حداقل و یا عنداللزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی دخالت نماید.

۱-۱-۲- سقف اعتباری: این نوع ابزارهای پولی با ایجاد محدودیتهای اعتباری و اعطای اعتبارات مستقیم به همراه منظور کردن اولویت در امر اعطای اعتبارات بانکی در

مورد بخش‌های خاص اقتصادی عملاً اقدام به جهت‌دهی اعتبارات به سمت بخش‌های مورد نظر می‌نماید. براساس ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی می‌تواند در امور پولی و بانکی دخالت و نظارتهایی داشته باشد که از جمله مفاد آن محدود کردن بانکها، تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌ها و تعیین حداکثر مجموع وامها و اعتبارات در رشته‌های مختلف است.

۲-۱- ابزارهای غیرمستقیم

۲-۱-۱- نسبت سپرده (ذخیره) قانونی: نسبت سپرده قانونی از جمله ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی است، که در گذشته به انگیزه تأمین امنیت‌بخشی از سپرده‌های مردم و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها وضع شد اما امروزه انگیزه اصلی برای رعایت این ضابطه، کنترل حجم پول و نقدینگی است. بانک‌های تجاری ملزم به نگهداری نسبتی از سپرده‌های مردم نزد بانک مرکزی هستند. بانک مرکزی از راه افزایش نسبت سپرده قانونی حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها را منقبض و از راه کاهش آن، اعتبارهای بانک‌ها را منبسط می‌کند. طبق ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی نسبت سپرده قانونی از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود و بانک مرکزی ممکن است بر حسب ترکیب و نوع فعالیت بانک‌ها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین کند. این ذخیره‌ها به شکل سپرده در بانک مرکزی نگهداری می‌شود (برانسون، ۱۳۸۸، ص ۴۴۴). بانک مرکزی با کاهش نرخ ذخیره قانونی، تقاضا برای تنزیل اوراق را کاهش می‌دهد و باعث انتقال منحنی تقاضای تنزیل اوراق به سمت پایین می‌شود؛ به دنبال آن، نرخ تنزیل در بازار بین بانکی کاهش می‌یابد و این امر باعث می‌شود که میزان ذخیره‌های عرضه‌شده افزایش پیدا کرده

و به دنبال آن، میزان نقدینگی در بازار بین بانکی افزایش خواهد یافت. عکس این حالت برای سیاست انقباضی پولی اتفاق می‌افتد. سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی یکی از مهمترین اقداماتی که در جهت استفاده مطلوب از ابزارهای غیرمستقیم پولی در

چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت گرفت، اجازه افتتاح حساب سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی است که در اواخر سال ۱۳۷۷ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. هدف اصلی از اجرای این طرح، اعمال سیاستهای پولی مناسب جهت کنترل و مهار نقدینگی از طریق جذب منابع مازاد بانکها بوده است. لازم به ذکر است که بانک مرکزی به سپرده ویژه بانکها نزد خود براساس ضوابط خاصی سود پرداخت می‌کند.

۲-۲-۱- **نرخ تنزیل مجدد (Discount Rate):** بانک‌های تجاری می‌توانند اسناد تجاری خود را نزد بانک مرکزی تنزیل کنند. در بانکداری اسلامی، بیع دین از ابزارهایی است که جهت تأمین منابع مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی از راه تنزیل اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها طبق ضوابط مربوط مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی می‌توانند اسناد تنزیلی خود را نزد بانک مرکزی تنزیل مجدد کنند و بانک مرکزی نیز می‌تواند با تغییر نرخ تنزیل مجدد، در مواقع نیاز، اعمال سیاست پولی کند؛ البته آنچه در قالب تنزیل اسناد تجاری مطرح می‌شود، خرید این اسناد به مبلغ کمتر از ارزش اسمی آن است، نه پرداخت وام، و بین این دو از نظر مشروعیت شرعی و عدم آن تفاوت فراوانی وجود دارد. بانک مرکزی در هر روز اعلام می‌کند که چه مقدار اوراق بهادار بازار بین بانکی را با تنزیل می‌خرد که مقدار آن بستگی به هدف‌های سیاست پولی در آن روز دارد. هر چه بانک مرکزی بتواند شرایط دریافت تسهیلات را سخت‌تر و هزینه استفاده از آن (نرخ تنزیل مجدد) را بیشتر کند، بانک‌ها کمتر می‌توانند از منابع بانک مرکزی استفاده کنند و برعکس. به این ترتیب با تغییرهای نرخ تنزیل مجدد، منابع مازاد بانک‌های تجاری و در نتیجه قدرت اعتباردهی آنها در

بازار بین بانکی تغییر می‌کند. نمودار ذیل بیانگر اعمال سیاست پولی به وسیله بانک مرکزی در بازار بین بانکی با استفاده از ابزار نرخ تنزیل مجدد است.

۳-۲-۱- عملیات بازار باز (OMO: Open Market Operation): خرید و فروش اوراق در بازار ثانویه، جهت کنترل نقدینگی را «عملیات بازار باز» می نامند. به عبارت بهتر، عملیات بازار باز عبارت است از دخالت مقامات پولی در بازار اوراق خزانه و قرضه دولتی و غیردولتی به منظور تنظیم حجم نقدینگی که این عملیات در بازار بین بانکی باعث تغییر ذخایر و تغییر نرخ بهره بین بانکی می شود. عملیات بازار باز مهم ترین ابزار سیاستی است که به اتکای آن، عرضه پول کنترل می شود. بانک مرکزی در مواردی که بازار بین بانکی به نقدینگی نیاز دارد و بانک های موجود در این بازار، اوراق تجاری در اختیار دارند، می تواند این اوراق را به صورت تنزیل بخرد و نقدینگی لازم را برای بازار فراهم کند و در مواردی که بازار در شرایط تورمی باشد، می تواند این اوراق را در بازار بین بانکی به صورت تنزیل به فروش برساند و از این راه به سیاست پولی اقدام کند. اجرای بهینه سیاست های پولی توسط بانک مرکزی، توسط ابزار اصلی و محوری عملیات بازار باز صورت می گیرد که به بانک ها انعطاف لازم را در مدیریت نقدینگی و مداخله در بازار پولی اعطاء می نمایند. به منظور توسعه و بسط عملیات بازار باز و اجرای سیاست های پولی از حیث مدیریت نقدینگی و تاثیر بر بازار پول و سرمایه، یافتن بدیل های مناسب در قالب موازین شرع مقدس اسلام بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از جایگاه ویژه ای برخوردار گردید. اوراق قرضه به جهت مبتنی بودن بر بهره، اصولاً در اسلام

پذیرفته شده نیست. لیکن اوراق مشارکت و سهام نمودن سرمایه گذاران در فعالیتهای اقتصادی و پرداخت سودهای واقعی نه تنها با مانع مواجه نیست بلکه مورد تشویق نیز می باشد. برای اولین بار، براساس ماده ۹۱ قانون برنامه سوم به بانک مرکزی اجازه داده شد که با تصویب شورای پول و اعتبار، از اوراق مشارکت بانک مرکزی استفاده نماید. شایان ذکر است که براساس برنامه چهارم توسعه، انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز خواهد بود. انتشار و عرضه اوراق مشارکت

بانک مرکزی از جمله ابزارهای سیاست انقباضی و اجرای عملیات بازار باز می‌باشد؛ بطوری که با عرضه این اوراق از حجم نقدینگی کاسته‌شده و وجوه این اوراق نزد بانک مرکزی مسدود می‌گردد. در بخش پایه پولی نیز انتشار این اوراق موجب افزایش جزء بدهیهای بانک مرکزی و کاهش پایه پولی خواهد شد. لذا در مجموع انتشار اوراق موجبات کاهش رشد نقدینگی را فراهم می‌سازد. در واقع سیاستگذار پولی را قادر می‌نماید تا در مواقع لزوم از طریق کنترل نقدینگی، دستیابی به نرخ تورم پایین را میسر سازد.

۴-۲-۱- عملیات شبه بازار باز: (Open Market - Type Operation: OMT)

خریدوفروش اوراق در بازار اولیه، جهت کنترل نقدینگی را «عملیات شبه بازار باز» می‌نامند. برای عملیات شبه بازار باز به‌طور معمول از دو نوع اوراق دولتی (Government Securities) و اوراق بانک مرکزی (Central Bank Securities) استفاده می‌شود. در جایی که از اوراق دولتی در عملیات شبه بازار باز استفاده می‌شود، دولت با هماهنگی بانک مرکزی بخشی از اوراق بدهی خود را برای هدفهای کنترل نقدینگی منتشر می‌کند و آن را (خودش یا بانک مرکزی) در بازارهای اولیه می‌فروشد و در جایی که بانک مرکزی از اوراق بدهی خودش در این عملیات استفاده کند، بانک مرکزی به‌طور مستقل به انتشار اوراق بدهی و فروش آن در بازار اولیه اقدام می‌کند (نودهی، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه اوراق تجاری در بازار بین بانکی مبادله می‌شوند و کشور بازار ثانویه عمیقی ندارد و خریدوفروش اوراق قرضه به علت داشتن ماهیت ربوی، در نظام بانکی اسلامی قابل استفاده نیست؛ بنابراین باید به طراحی ابزارهایی برای جایگزینی آن در عملیات شبه بازار باز بیندیشیم. اجرای بهینه سیاست‌های پولی به‌وسیله بانک مرکزی از راه ابزار اصلی و محوری عملیات بازار صورت می‌گیرد که به بانک‌ها انعطاف لازم را در مدیریت نقدینگی و مداخله در بازار پولی اعطاء می‌کند. اگر مقدار نقدینگی در بازار بین بانکی و سرعت خلق پول در این بازار فزاینده باشد، بانک

مرکزی می‌تواند در حالت اول، به انتشار اوراق خزانه اسلامی به صورت تنزیل شده و با پشتوانه طلب‌هایی که از دولت دارد اقدام کند و بازپرداخت و سود این اوراق را به دولت محول کند یا به وکالت از طرف دولت به انتشار اوراق مشارکت دولتی کوتاه-مدت براساس پرتفویی از دارایی‌های حقیقی مؤسسه‌های سودده دولتی اقدام کند که وجوه حاصل از این اوراق - بابت بدهی‌های خود از دولت - در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد و سود حاصل از دارایی‌های سودده، از طرف دولت به عنوان سود به دارندگان اوراق پرداخت شود^۱ در حالت دوم بانک مرکزی می‌تواند اوراق مشارکت کوتاه‌مدتی منتشر کند که نرخ سودی بیشتر از نرخ سود موجود در بازار بین بانکی داشته باشد و آنها را در بازار بفروشد و انگیزه بانک‌ها را از اعطای اعتبار به دیگر بانک‌ها کاهش دهد.

بانک مرکزی می‌تواند این اوراق را در قالب اوراق مشارکت رهنی که براساس اسنادی که به صورت تنزیل از بانک‌ها خریده است و به طور معمول کوتاه‌مدت هستند، منتشر کند. اوراق دیگری که بانک مرکزی می‌تواند در این حالت منتشر کند، اوراق مشارکت در

منفعت بانک مرکزی می‌تواند باشد که بر پایه سهام مشخصی از پرتفوی دارایی‌های سودده بانک مرکزی طراحی شود و دارنده این اوراق، فقط در منفعت و سودی که برای بانک مرکزی از ناحیه افزایش قیمت دارایی‌های سودده به دست می‌آید، سهیم است و هیچ نوع مالکیتی نسبت به سهام‌های بانک مرکزی در دیگر بانک‌ها ندارد یا گواهی مشارکت کوتاه‌مدت با نرخ بازده ثابت و با پشتوانه سهام بانک مرکزی در بانک‌های تجاری که به وسیله دولت به بانک مرکزی انتقال یافته است، باشد. این دو حالت در مواردی است که بانک مرکزی، شرایط بازار بین بانکی را به صورتی می‌بیند که باید سیاست انقباضی پولی اعمال کند. انتشار و عرضه اوراق بانک مرکزی (خزانه و مشارکت واقعی) از جمله ابزارهای سیاست انقباضی است؛ به طوری که با عرضه این اوراق از حجم نقدینگی کاسته شده و وجوه این اوراق نزد بانک مرکزی مسدود

می‌شود. در بخش پایه پولی نیز انتشار این اوراق باعث افزایش جزء بدهی‌های بانک مرکزی و کاهش پایه پولی خواهد شد؛ بنابراین در مجموع انتشار اوراق کاهش رشد نقدینگی را فراهم می‌سازد و سیاست‌گذار پولی را قادر می‌سازد تا در مواقع لزوم از راه کنترل نقدینگی، دستیابی به نرخ تورم پایین را امکان‌پذیر سازد. نمودار ذیل بیانگر اعمال سیاست انقباضی پولی به وسیله بانک مرکزی در بازار بین بانکی است.

۲- بررسی نرخ ذخیره قانونی در بانکداری سنتی

بر اساس قانون بانکی هر کشوری، بانک‌ها موظف‌اند در صدی از سپرده‌های دیداری و غیر دیداری را به عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه گذارند. این ابزار، از دو جهت برای سیاست‌گذاران دارای اهمیت است. نخست آن که وسیله‌ای است جهت تامین امنیت بخشی از سپرده‌های مردم در نزد بانک‌ها و دوم به لحاظ اثرهای سریعی که تغییر در نرخ ذخیره قانونی بر

حجم اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به بخشی خصوصی دارد، این ابزار به عنوان یکی از اهرم‌های مهم برای اجرای سیاست پولی، به منظور کنترل حجم تسهیلات اعتباری تلقی می‌گردد. نرخ ذخیره قانونی تنها متغیری در ضرایب فزاینده پول می‌باشد که به طور کامل در کنترل بانک مرکزی قرار دارد. این ابزار پولی در ارتباط با تغییرات میزان ذخایر می‌باشد که بانک‌های تجاری به طور قانونی موظف‌اند بدون بهره یا با بهره مقدار بسیار اندکی از سرمایه خود را نزد بانک مرکزی نگهدارند و پارامتر عملیاتی آن ذخایر قانونی می‌باشد.

بانک مرکزی برای استفاده از این ابزار پولی، می‌تواند بر حسب موارد و اقتضای وضعیت پولی و اقتصادی کشور، نرخ ذخایر قانونی را تغییر داده و از این طریق بر میزان ذخایر قانونی بانک‌های تجاری نزد خود و بر قدرت وام‌دهی آن‌ها تاثیر بگذارد. نرخ ذخایر قانونی می‌تواند بر

حسب نوع و حجم سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌های تجاری و وام‌های اعطایی، نوع فعالیت‌ها و شرایط مکانی بانک‌های تجاری، بزرگی و کوچکی بانک‌های تجاری و غیره متفاوت باشد. اما معمولاً بانک مرکزی برای تعیین نرخ ذخایر قانونی تنها بر حسب نوع سپرده‌ها (دیداری و غیر دیداری) و منشا آن (خارجی و داخلی) تفاوت قائل می‌شود تفاوت نرخ ذخایر قانونی بر حسب نوع سپرده‌ها معمولاً بدین نحو است که برای سپرده‌های جاری نرخ بالاتر و برای سپرده‌های مدت دار و پس‌انداز به تناسب معینی در رابطه با مدت سپرده‌ها نرخ کمتری تعلق می‌گیرد. بدین جهت با تغییر ساختاری سپرده‌های بانکی اشخاص در جهت افزایش نسبت سپرده‌های جاری و سپرده‌های کوتاه‌مدت از مجموع سپرده‌ها، بر میزان ذخایر قانونی افزوده می‌شود و با کاهش این نسبت از میزان ذخایر قانونی کاسته می‌شود، بدون این‌که نرخ‌های ذخایر قانونی تغییری کرده باشند. دلیل کمتر بودن نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های بلندمدت را می‌بایستی در اعتبارات بلندمدت و سرمایه‌ای دانست که با توجه به این سپرده‌ها پرداخت می‌شود.

تفاوت قائل شدن نرخ ذخایر قانونی بر حسب منشا داخلی یا خارجی بودن سپرده‌ها معمولاً در کشورهایی اعمال می‌شود که پول آن‌ها قدرت خرید بین‌المللی دارد و حجم قابل توجهی از آن‌ها در اختیار واحدهای اقتصادی خارج کشور می‌باشد. با توجه به این‌که این قسمت پول کشور که در اختیار خرجیان می‌باشد. بنابر تعریف ماهیت پول جزو حجم پول کشور، محسوب نمی‌شود، هر نوع انتقال آن به بانک‌های تجاری داخل کشور موجب افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری، خارج از محدوده حجم پول می‌شود. بدین جهت این مسئله ممکن است تحت شرایطی به سیاست پولی بانک مرکزی در جهت کنترل حجم پول لطمه وارد کند، و یا کلاً آن را بی‌اثر سازد. بدین جهت معمولاً بانک‌های مرکزی در این کشورها اختیار دارند که نرخ ذخیره قانونی بالایی که در شرایطی خاص به صد درصد می‌رسد، برای این‌گونه سپرده‌ها که منشا

خارجی دارند تعیین کنند، تا از این طریق قادر باشند جریان این سپرده‌ها به داخل کشور را متوقف و یا اثرات آن را تحت کنترل قرار دهند.

اگر بانک مرکزی به هر دلیلی اقدام به افزایش نرخ ذخیره قانونی نماید، ضریب فزاینده پولی کاهش یافته و در این صورت، با فرض ثابت بودن پایه پولی، حجم پول کاهش می‌یابد. چنین رفتاری را این گونه می‌توان توجیه کرد، با افزایش نرخ ذخیره قانونی، بانک‌های تجاری ناچاراند درصد بیشتری از سپرده‌های مردم را به صورت ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی قرار دهند و درصد کمتری را جهت وام‌دهی استفاده کنند. با این حال طبیعی است که حجم اعتبار و پول تحریری کاسته شده و حجم پول کاهش یابد. البته در کشورهایی که دارای بازار معاملات اوراق بهادار هستند، اعمال سیاست پولی انقباضی باعث می‌شود که بانک‌های تجاری برای جبران کاهش نقدینگی قابل وام‌دهی خود، اوراق بهاداری را که در اختیار دارند بیشتر از گذشته عرضه بازار نمایند. در نتیجه با افزایش عرضه اوراق بهادار و ثابت ماندن تقاضا، ارزش معاملاتی آن‌ها کاهش و نرخ بازدهی موثر اوراق بهادار افزایش می‌یابد. بدین ترتیب هزینه تامین مالی بانک‌های تجاری از طریق بازار اوراق بهادار نیز افزایش می‌یابد که به محدود شدن قدرت وام‌دهی بانک‌ها و افزایش نرخ بهره بانکی یاری می‌رساند.

در ضمن لازم است بانک مرکزی همراه با اعمال سیاست پولی انقباضی، نرخ بهره‌ای را که برای اعطای وام به بانک‌های تجاری، مطالبه می‌کند در حدی تعیین کند که بانک‌ها تجاری نتوانند از طریق کسب اعتبار از بانک مرکزی کاهش نقدینگی حاصله را جبران و با نرخ بهره قبل از اعمال این سیاست، صرف وام‌دهی کنند. زیرا در غیر این صورت سیاست پولی انقباضی اعمال شده خنثی خواهد شد. اعمال سیاست پولی انبساطی به منظور کاهش نرخ ذخیره قانونی بانک‌های تجاری، باعث افزایش ضریب فزاینده پولی و در نتیجه، حجم پول در جریان می‌شود؛ زیرا با کاسته شدن نرخ ذخیره قانونی، میزان بیشتری از سپرده‌های بانکی اشخاص جهت وام‌دهی در اختیار بانک‌های تجاری قرار

می‌گیرد و نیز با استفاده از افزایش نقدینگی ناشی از این سیاست عرضه وام را افزایش می‌دهند که به کاهش نرخ بهره و افزایش حجم اعتبارات و پول دفتری منتهی می‌شود.

در این حال بانک‌های تجاری سهمی از افزایش نقدینگی ناشی از سیاست کاهش ذخیره قانونی را صرف خرید اوراق بهادار از بازار می‌کنند که افزایش تقاضا در بورس اوراق بهادار، افزایش ارزش اوراق و کاهش نرخ بازدهی موثر آن‌ها را در پی دارد. با چنین تحولی در بورس اوراق بهادار، بانک‌ها می‌توانند با نرخ ارزان‌تری از طریق بازار منابع مالی جهت اعطای وام اقدام کنند که به تقویت سیاست پولی انبساطی اعمال شده توسط بانک مرکزی می‌انجامد.

چنانچه بانک مرکزی همراه با اعمال سیاست پولی، کاهش ذخیره قانونی، از نرخ بهره اعطای وام به بانک‌های مرکزی نکاهد، امکان دارد بانک‌ها قسمتی از افزایش نقدینگی حاصل از سیاست پولی را صرف باز پرداخت بدهی‌های گذشته به بانک مرکزی نمایند و از این طریق تا حدی سیاست پولی انبساطی خنثی شود. اثر استفاده از تغییرات نرخ سپرده قانونی، بلافاصله در همه بانک‌های کشور ظاهر می‌شود. البته این ابزار در صورتی موثر است که بانک دارای ذخایر مازاد نباشند. زیرا در صورت افزایش نرخ، بانک‌ها از رهگذر ذخایر مازاد خود، افزایش ذخایر قانونی را جبران می‌کند و در صورت کاهش نرخ نیز با وجود ذخایر اضافی بانک‌ها، اثری در انبساط حجم پول پیدا نمی‌شود. در ابتدا، هدف از برقراری چنین مکانیزمی حمایت از سپرده‌های عامه نزد بانک‌ها بود، تا بانک‌ها که هدف آن‌ها حداکثر کردن سود می‌باشد، کل سپرده‌های مردم را به خطر نیندازند. اما به تدریج بانک‌های مرکزی بویژه در کشورهای در حال توسعه با تغییر در نسبت سپرده‌های قانونی، حجم منابع آزاد بانک‌ها را تغییر داده‌اند و موجبات تحدید یا توسعه اعتبارات بانکی را فراهم آوردند.

۳- بررسی فقهی نرخ ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی

چنانچه بیان شد طبق قانون، بانک‌های تجاری موظف هستند نسبتی از سپرده‌های مردم را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند که به آن سپرده قانونی به نرخ آن نرخ ذخیره قانونی می‌گویند و نیز گفته شد بانک مرکزی می‌تواند به تناسب مصالح اقتصادی نرخ ذخیره قانونی را افزایش یا کاهش دهد. در نتیجه حجم سپرده قانونی و به تبع آن منابع آزاد بانک‌ها، تغییر می‌کند. برای مثال اگر نرخ ذخیره قانونی ۱۵ درصد باشد بانک‌های تجاری موظف به نگهداری ۱۵ درصد از سپرده‌ها نزد بانک مرکزی بوده و با ۸۵ درصد سپرده‌ها فعالیت بانکی خواهند داشت و اگر نرخ ذخیره قانونی به ۲۵ درصد افزایش یابد. سپرده قانونی به آن اندازه افزایش یافته و ذخایر آزاد بانک‌ها برای فعالیت تنها ۷۵ درصد خواهد بود.

حال سؤال این است که: ماهیت فقهی سپرده قانونی چیست؟ یکی از شرایط صحت معامله اختیار است آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌های تجاری را موظف به چنین سپرده‌ای نماید؟ با توجه به زمان بر بودن برخی از ابزاهای سیاست پولی آیا بانک مرکزی می‌تواند هر زمان که بخواهد دست به تغییر نرخ ذخیره قانونی بزند؟

بر اساس بانکداری متعارف، ماهیت سپرده قانونی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی همان ماهیت سپرده مردم نزد بانک‌های تجاری است و مانند سپرده‌های معمولی ماهیت قرض دارد که با سپرده گذاری، سپرده‌ها به مالکیت بانک مرکزی در می‌آید و بانک مرکزی حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد. می‌تواند در صندوق ذخیره کند، یا به صورت وام در اختیار برخی بانک‌ها بگذارد و می‌تواند در عملیات تنزیل مجدد استفاده کند.

بنابراین در صورتی که بانک مرکزی در برابر سپرده‌ها سودی نپردازد؛ می‌تواند مصداق قرض بدون بهره بوده مشکل شرعی نخواهد داشت. اما اگر به این سپرده‌ها

سود پرداخته شود، می توان گفت بانک ها دو گونه اند بانک های خصوصی و بانک های دولتی ازاین رو، حکم این دو از متمایزاند. زیرا بانک خصوصی ماهیت مستقل از بانک مرکزی دارد و بانک خصوصی، مالک سپرده های مردم می شود. با سپردن آنچه در بانک خصوصی سرمایه گذاری می شود به بانک مرکزی، بانک مرکزی آن را مالک شده و سپرده ها مال بانک مرکزی محسوب می شود بنابراین پرداخت هر نوع زیاده و بهره، مصداق ربا و از نظر اسلام حرام محسوب می گردد.

حکم بانک های دولتی، تا حدود با بانک خصوصی متفاوت است. زیرا؛ با سپرده گذاری مردم، وجوه سپرده گذاری شده به مالکیت بانک دولتی و در واقع دولت در می آید و زمانی که بانک دولتی نزد بانک مرکزی که آن هم دولتی است سپرده گذاری می کند به منزله آن است که فردی از یک فعالیت اقتصادی خودش به فعالیت دیگرش پول قرض می دهد (البته بکارگیری واژه قرض هم با مسامحه است) و برای این قرض از فعالیت دوم بهره ای دریافت می کند. روشن است که در این صورت پرداخت زیاده از مصادیق قرض ربوی نخواهد بود و در واقع اصلاً قرض نخواهد بود بلکه صرفاً انتقال دارایی از محلی به محلی دیگر و از فعالیتی به فعالیت دیگر است.

و اما با توجه به زمان بر بودن برخی از ابزارهای سیاست پولی آیا بانک مرکزی می تواند طبق صلاح دید خود دست به تغییر نرخ ذخیره قانونی بزند؟ در پاسخ این سوال می توان

گفت بانک مرکزی به عنوان نماینده و عامل دولت حق نظارت، کنترل، مدیریت و هدایت نظام بانکی را به عهده دارد ازاین رو، الزام بانک های تجاری مبنی بر نگهداری سپرده قانونی و پیروی آنها نرخ های مصوب از سوی مراجع قانون گذار با پیشنهاد بانک مرکزی پشتوانه قانونی پیدا کرده در نتیجه هر بانک تجاری بر اساس قوانین بانکی کشور، مجوز فعالیت خود را از بانک مرکزی می گیرد و متعهد به نگهداری سپرده

قانونی بر اساس نرخ‌های تعیین شده از سوی بانک مرکزی است. می‌توان گفت سپرده قانونی به دو منظور وضع شد:

۱. تامین امنیت سپرده‌ها و حمایت از بانک‌ها به وسیله بانک مرکزی هنگام مواجهه با خطر ورشکستگی؛

۲. اعمال سیاست پولی و کنترل حجم پول از این طریق.

امروزه، تامین امنیت سپرده‌ها از راه‌های دیگری چون بیمه کردن آن‌ها نیز امکان پذیر است. در مقام سیاست‌گذاری و کنترل حجم پول نیز هنگامی که بانک مرکزی در صدد اعمال سیاست انبساطی باشد می‌تواند با کاهش نرخ این اندوخته، هدف خود را محقق سازد؛ اما اعمال سیاست انقباضی در صورتی ممکن است که بانک‌ها دارای ذخایر مازاد نباشند؛ بنابراین درباره سپرده‌های دیداری با توجه به نامشخص بودن میزان مراجعه صاحبان سپرده برای دریافت وجوه خود و نیز به منظور اعمال سیاست پولی، بدون تردید نگه‌داری اندوخته قانونی ضرورت دارد. بدیهی است همان‌طور که در بررسی اقوال نیز اشاره شد، در صورتی می‌توان از آن به صورت ابزار سیاست پولی استفاده کرد که نرخ آن کم‌تر از ۱۰۰ درصد و متغیر و به دست بانک مرکزی باشد. درباره سپرده‌های مدت‌دار از جهت تامین هدف اول نگه‌داری بخشی از این سپرده‌ها ضرورت دارد؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، این امکان وجود دارد که تعدادی از سپرده‌گذاران، پیش از موعد برای

دریافت سپرده‌های خود مراجعه کنند، مگر این که هنگام سپرده‌گذاری شرط شود تا پیش از پایان قرارداد، سپرده پرداخت نخواهد شد که در این صورت، ممکن است رغبت برخی به سپرده‌گذاری کم شود اما از جهت اعمال سیاست پولی، ممکن است تصور شود نگه‌داری این ابزار ضرورتی ندارد زیرا سپرده‌های مدت‌دار نقش چندانی در ایجاد خلق پول ندارند.

۳-۱- ماهیت ذخایر قانونی

از آن جا که نرخ ذخیره قانونی می تواند شامل همه سپرده ها باشد و در مقام اجرا نیز در بسیاری از کشورها درباره سپرده های جاری و مدت دار اعمال می شود، برای بررسی قابلیت به کارگیری این ابزار در نظام مبتنی بر حذف ربا، ابتدا باید ماهیت انواع سپرده ها را از نظر شرعی بشناسیم و براساس آن، به طور جداگانه حکم ذخیره قانونی آن ها را بررسی کنیم. سپرده گذاران به طور معمول سپرده های خود را با انگیزه های گوناگون در حساب های مختلفی در بانک ها قرار می دهند. مهم ترین این حساب ها، حساب پس انداز و حساب جاری است.

۳-۱-۱- حساب پس انداز: حساب پس انداز، حسابی است که مردم به طور معمول در آن وجوهی را قرار می دهند که به زودی قصد برداشتن آن را ندارند و با انگیزه برخورداری از سود یا بهره آن به این کار اقدام می کنند. در برخی از انواع این حساب، سپرده گذار متعهد می شود که تا مدت معینی، پول خود را برداشت نکند و در مقابل، بانک نیز بهره بیش تری را در اختیار او قرار می دهد. دریافت وجه از این حساب صرفاً

با مراجعه صاحب حساب یا وکیل قانونی او و با ارائه دفترچه، امکان پذیر است. در قانون بانکداری بدون ربا، وجوهی که در این حساب سپرده گذاری می شوند، به دو قسم سپرده قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری مدت دار تقسیم شده اند. در قسم اول، همان گونه که از نام آن پیدا است، بانک هیچ گونه سودی به سپرده گذار نمی پردازد و سپرده گذار به انگیزه های گوناگون چون حفظ امنیت وجوه، انگیزه معنوی برخورداری از پاداش آخرتی و گاهی به انگیزه شرکت در قرعه کشی جوایز بانکی به سپرده گذاری اقدام کرده، هنگام نیاز، تمام یا مقداری از وجوه خود را دریافت می کند. در قسم دوم، طبق قانون، بانک ها وکیل سپرده گذاران بوده، سپرده های آنان

را در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار داده، سود حاصل را پس از کسر حق الوکاله، به صاحبان سپرده می‌دهند.

۳-۱-۲- حساب جاری: افرادی که به افتتاح این حساب اقدام می‌کنند، صرفاً به منظور تسهیل در مبادلات خود این کار را انجام می‌دهند و بانک موظف است به دستور صاحب حساب با نوشتن چک، تمام یا قسمتی از موجودی او را در اختیار آورنده چک قرار دهد. در دو سیستم ربوی و غیرربوی به طور معمول بانک در برابر خدماتی که برای سپرده‌گذار انجام می‌دهد، کارمزدی نمی‌گیرد؛ کما این که بهره یا سودی هم به صاحب حساب نمی‌پردازد. از این سپرده‌ها در نظام بانکی بدون ربا تحت عنوان سپرده‌های قرض الحسنه جاری یاد شده است. ویژگی بارز این گونه سپرده‌ها، برخورداری از درجه نقدینگی بالای آن‌ها است؛ زیرا اولاً خود سپرده‌گذار هرگاه بخواهد می‌تواند به بانک مراجعه و مقداری از موجودی خود را دریافت کند. ثانیاً چکی که سپرده‌گذار بر

اساس موجودی خود صادر می‌کند، در صورت اعتبار صاحب آن، نقش پول را در مبادلات ایفا کرده، ممکن است پیش از رفتن به بانک، چند دست‌گردش کند.

۳-۱-۳- ماهیت فقهی سپرده‌های پس‌انداز و دیداری: از دید فقهی درباره سپرده‌های پس‌انداز و دیداری چند نظر وجود دارد.

۱. قرض: مشهورترین نظر درباره این سپرده‌ها این است که قرض هستند. بر اساس این دیدگاه، سپرده‌گذار مقدار معینی را به بانک قرض می‌دهد و زمانی که به پول خود نیاز داشته باشد، قرض خود را از بانک مطالبه می‌کند. (۲۵) در این صورت، سپرده به مالکیت بانک درآمده و فقط ذمه بانک به سپرده‌گذار مشغول می‌شود؛ به همین جهت در صورتی که سپرده به هر دلیل از بین برود، بانک ضامن جبران آن است. همچنین

بانک می تواند هرگونه تصرفی را در سپرده انجام دهد و حتی با باقی بودن عین مال، برگرداندن آن مال ضرورتی ندارد؛ گرچه اگر آن را بپردازد، قرض دهنده باید بپذیرد.^۲

۲. ودیعه: برخی معتقدند: همان گونه که از اسم سپرده ها پیدا است، ودیعه هستند. در این صورت، بانک موظف است مبلغ به ودیعه گذاشته شده را حفظ کند و هنگام مطالبه، آن را به او برگرداند.^۳ که در منابع فقهی ویژگی هایی برای ودیعه ذکر شده است. یکی اینکه ودیعه به مالکیت مالک آن باقی می ماند و ودیعه پذیر هیچ گونه حق مالکیتی در این مال ندارد و دوم اینکه قبول کننده ودیعه، حق هیچ گونه تصرفی جز برای حفظ و نگه داری آن ندارد و سوم اینکه ودیعه پذیر، هیچ گونه ضمانتی در برابر مال سپرده شده ندارد، مگر در صورت کوتاهی در حفظ آن و چهارم عقد ودیعه، مبتنی بر احسان و به صورت مجانی خواهد بود. برخی گفته اند: می توان در ضمن آن اجرت را شرط کرد؛ البته در صورتی که نگه داری امانت، مخارجی در بر داشته باشد، این مخارج به عهده امانت گذار است. و آخرین و پنجمین اینکه امانت پذیر موظف است هرگاه، مالک، مالش را مطالبه کرد، به او برگرداند؛ چنان که امانت گذار نیز باید ودیعه را هر زمان که

امانت پذیر به او برمی گرداند، بپذیرد؛ زیرا ودیعه، عقدی جایز است، مگر آن که به طریق ملزومی این عقد را غیرقابل فسخ کنند.

۳. سپرده ناقص یا نادر: در تعریف سپرده ناقص گفته اند: ودیعه ای است که سپرده پذیر آن را مالک، و فقط به برگرداندن مثل آن ملتزم می شود. در تفاوت بین سپرده ناقص و قرض گفته اند که گرچه سپرده پذیر همانند قرض گیرنده مالک آن مال می-شود، باید آن را حفظ کرده، آزادی تصرف در آن را ندارد؛ بنابراین در این صورت، بانک موظف است مبلغ مساوی آن را همیشه در صندوق خود حفظ کند.

با توجه به ویژگی هایی که برای عقد قرض و ودیعه نقل و نیز تعریفی که از سپرده ناقص بیان شد و با توجه به آن چه در بانک ها تحت عنوان سپرده گذاری صورت می گیرد می توان سپرده هایی را که به نام پس انداز و جاری در بانک های ربوی صورت می گیرد، از مصادیق قرض دانست و به طور طبیعی سودی که در قبال آن ها پرداخت می شود، بهره و حرام خواهد بود؛ به همین جهت، همان طور که اشاره شد، بیش تر محققان و فقیهان و حتی حقوقدانان معتقدند که سپرده های پس انداز و دیداری، دارای ماهیت قرض یا چیزی نزدیک به آن هستند. از جمله شهید صدر، پس از آن که دیدگاه ودیعه شرعی و قانونی بودن سپرده های بانکی و نیز نظریه سپرده ناقص را نقل و رد می کند، خود، قرض بودن آن ها را تقویت کرده و می گوید: بانک اسلامی، سپرده های ثابت و جاری را از یکدیگر جدا می کند و سپرده های جاری را به اسم وام دریافت داشته، بهره ای در برابر آن نمی پردازد.^۴ امام خمینی پس از این که هر سه احتمال را درباره

سپرده های بانکی و حکم آن ها بیان می کند، قرض بودن آن ها را برمی گزیند: (سپرده های بانکی اگر به صورت قرض باشد، مانعی ندارد و بانک می تواند در آن ها تصرف کند و شرط زیادی و گرفتن آن حرام است. . . و اگر آن چه به بانک می دهد، به صورت امانت باشد، در صورتی که اجازه تصرف نداده باشد، بانک حق تصرف ندارد و در صورت تصرف، ضامن است؛ اما در صورت اجازه تصرف یا رضایت بعد از آن، جایز است و آن چه بانک به سپرده گذار می پردازد، حلال است، مگر آن که اجازه در چنین تصرفاتی قرینه بر قرض بودن آن باشد که در این صورت، زیادی حرام است، و ظاهر این است که سپرده ها از نوع قرض هستند.^۵ و ماهیت سپرده های مدت دار از بحث سپرده های دیداری و پس انداز، به خوبی روشن می شود که سپرده های مدت دار در بانک های ربوی، قرض ربوی هستند؛ زیرا طبق قرارداد، درصد مشخصی بهره برای آن در نظر گرفته می شود که از مصادیق بارز ربای قرضی است. شهید صدر، پس

از طرح این مساله که سپرده های دریافت شده به وسیله بانک های غیراسلامی، وام به شمار می روند، راه هایی را برای این که بهره دریافتی به وسیله سپرده گذار را از حالت ربوی بیرون آورد، ارائه می دهد.^۶

۳-۱-۵- در چارچوب بانک اسلامی، سپرده های ثابت از جهت نظری با سه فرض سازگارند:

۱. سپرده گذار، پول خود را به بانک قرض داده، هرگونه تصرفی از سوی بانک در آن جایز است. از آن طرف، سپرده گذار نیز هیچ گونه استحقاقی برای دریافت سود ندارد؛ اما اگر پس از انقضا - بدون این که هیچ گونه توافقی گرچه به صورت ضمنی بین آن ها شده باشد - مبلغی از جانب بانک به سپرده گذار پرداخت شود، ربا به شمار نمی آید؛ بلکه پرداخت آن مستحب نیز هست؛ زیرا در بحث ربا آمده است که گرفتن مبلغ بیش تر از اصل قرض اگر از ابتدا در قرارداد شرط شده باشد، حرام است؛^۷ البته در سپرده های ثابت به ویژه بلندمدت، چنین مواردی نادر است.

۲. سپرده گذار پول خود را به بانک امانت داده تا آن را برای او نگه داری کند. در این فرض - همان طور که گذشت - در حالت کلی آن، بانک ضامن پول نیست و حق تصرف در آن را هم ندارد؛ اما اگر مالک اذن دهد، تصرف مجاز است. در این صورت، اولاً ضامن به عهده بانک منتقل می شود و ثانیاً منافع به صاحب سپرده می رسد، مگر آن که از طریق شرط نتیجه (به پیشنهاد شهید صدر) مشکل حل شود.^۸ این فرض هم مانند فرض پیشین، فرضی نادر و چه بسا غیرعملی است.

۳. تصویری که بیش تر با بانک های اسلامی و بدون ربا سازگار است و به سپرده های ثابت اختصاص دارد، این است که بانک از طریق مضاربه، مشارکت یا وکالت، پول سپرده گذار را به کار گرفته، بخشی از سود حاصل را به او برگرداند.

روش های گوناگونی برای جذب سپرده های مردم به وسیله بانک و ارائه تسهیلات به آن ها وجود دارد . بانک می تواند در جایگاه وکیل سپرده گذاران، سپرده آنان را بپذیرد و به صورت مضاربه، جعاله و حتی مشارکت که خود به وکالت سپرده گذاران شرکت می کند، در اختیار متقاضیان سرمایه قرار دهد و پس از کسر حق وکالت، باقیمانده سود را به نسبت، بین سپرده گذاران تقسیم کند یا این که خود به شکل مضاربه و مشارکت وارد عمل شده، سپرده ها را در تجارت و تولید به کار گیرد که در این صورت نیز منافع، بر حسب قرارداد نخستین، بین آن ها تقسیم می شود .

مساله خسارت احتمالی را نیز می توان از طریق بیمه کردن سپرده ها به وسیله مؤسسه دیگری حل کرد . در ایران، قانون بانکداری بدون ربا، بانک ها را وکیل سپرده گذاران می داند . در این قانون آمده است:

سپرده های سرمایه گذاری مدت دار که بانک در به کار گرفتن آن ها وکیل می باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می گیرد .^۹

۲-۳- ذخایر قانونی از نظر فقهی

۳-۲-۱- ذخایر قانونی بر سپرده های دیداری و پس انداز: در این بخش، ماهیت ذخایر قانونی بر سپرده های دیداری و پس انداز را بنا بر دو مبنای قرض و ودیعه بررسی می کنیم . پیش از بررسی، لازم است به ماهیت بانک های دولتی و رابطه آن ها با بانک مرکزی اشاره کنیم؛ زیرا ممکن است پاسخ پرسش های طرح شده در مقاله با توجه به نوع این رابطه متفاوت باشد .

در قوانین پولی و بانکی مصوب سال های ۱۳۳۴، ۱۳۳۹ و ۱۳۵۱ تشکیل بانک به صورت شرکت سهامی پیش بینی شده است . پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام

بانک های کشور ملی شد و در اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بانکداری جزو بخش دولتی شمرده شده؛ به همین جهت در بین حقوقدانان این تردید پیش آمده است که آیا بانک های موجود، مانند قبل شرکت سهامی هستند یا دارای هویت جدیدی شده اند. بنابر دیدگاه اول، مسئولیت دولت در برابر بانک ها به سرمایه اسمی آن ها محدود بوده و شخصیت بانک ها پس از تصویب مجمع عمومی پدید آمده و از دولت، مستقل و و منفک هستند. بر اساس نظریه دوم، مسئولیت دولت در حد سرمایه اختصاصی هر بانک است و همچنین بانک ها به صورت مؤسسه مالی، اعتباری عمومی، دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت هستند که برای انجام مقاصد خاص اقتصادی و رفع حواج عمومی ایجاد شده اند.

گویا دیدگاه دوم به واقعیت نزدیک تر باشد؛ اما با وجود این باید توجه داشت به رغم این که بانک ها جزو مؤسسات عمومی بوده، سرمایه آن به دولت متعلق است و دولت با تعیین مدیران آن بر بانک ها نظارت دارد، بانک ها به موجب مقررات و قوانین مخصوص خود اداره می شود و شخصیت حقوقی آن ها مستقل از دولت است و دولت، مسئول و پاسخگوی دیون بانک ها نیست و بانک ها به طور مستقل، مسئول انجام تعهدات خود هستند.^{۱۰}

نکته دیگر، درباره بانک مرکزی است. این بانک که مسئولیت تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری کشور را به عهده دارد، دارای شخصیت حقوقی است که مطابق قانون پولی و بانکی مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ اداره می شود و در مواردی که مقرراتی در قانون مزبور وجود نداشته باشد، تابع قوانین مربوط به شرکت های سهامی است؛^{۱۱} بنابراین به نظر می رسد که گر چه مالکیت بانک های دولتی و بانک مرکزی در جایگاه بانک بانک ها یکی است به لحاظ این که دارای شخصیت های حقوقی متفاوتی هستند، بر اساس قانون مربوط به شخصیت های حقوقی قابل انتقال به یک دیگر نیستند؛ چنان که هر گاه شخصی در دو شرکت، با عناوین گوناگون دارای سهامی باشد، تا هنگامی که آن

شرکت‌ها پابرجا هستند نمی‌تواند اموال خود را از یک شرکت به شرکت دیگر منتقل کند، مگر این که شرکت منحل شود یا این شخص، سهام خود را بفروشد.

از طرف دیگر، با فرض این که سپرده‌های جاری و پس انداز، دارای ماهیت قرض هستند، با سپرده‌گذاری به مالکیت بانک درآمد و جزو اموال بانک به شمار می‌روند.

با این دو مقدمه روشن می‌شود که مطالبه بانک مرکزی از بانک‌های دولتی مبنی بر انتقال بخشی از سپرده‌های خود به بانک مرکزی تحت عنوان ذخایر قانونی یا احتیاطی، از منظر مالکیت اموال امکان‌پذیر نیست؛ البته بر اساس قواعد قراردادها، بانک مرکزی می‌تواند بانک‌ها را اعم از این که دولتی یا غیردولتی باشند، موظف کند که در برابر حمایت از آن‌ها یا در مقابل اعطای امتیاز فعالیت، بخشی از سپرده‌های خود را نزد بانک مرکزی نگه دارند؛ البته یک نظر نیز این است که در صورت دولتی بودن سرمایه‌های بانک، هر گونه نقل و انتقال اموال بین بانک‌های تجاری و بانک مرکزی و لو این که دارای دو شخصیت حقوقی هستند، از منظر مالکیتی نیز بدون اشکال است؛ زیرا در واقع، انتقال پول از یک حساب به حساب دیگر است.^{۱۲}

مطابق نظریه کسانی که سپرده‌های بانکی را دارای ماهیت ودیعه شرعی و قانونی می‌دانند، آن وجوه به مالکیت بانک دولتی درنیامده؛ بلکه در ملکیت صاحبان سپرده باقی می‌ماند. در این صورت، انتقال بخشی از آن‌ها تحت عنوان ذخایر قانونی، به اجازه صاحبان آن‌ها نیاز دارد؛ البته این در صورتی است که بانک اجازه تصرف در بقیه آن را داشته باشد. در غیر این صورت، تمام آن در قالب ذخیره در بانک باقی می‌ماند و به ذخیره قانونی نیاز ندارد؛ ولی به هر حال، با رضایت صاحبان سپرده، انتقال بخش یا تمام آن‌ها به بانک مرکزی در این فرض اشکال ندارد و توجه دادن سپرده‌گذار به آیین نامه بانک در این باره در تحصیل رضایت او کافی است.

در صورتی که بانک های سپرده پذیر خصوصی باشند، یعنی سرمایه اولیه بانک ها را بخش خصوصی تامین کند، درباره سپرده های دیداری و پس انداز، همان دو فرض پیشین مطرح است. در فرض نخست، یعنی قرض بودن سپرده ها، بانک خصوصی مالک آن ها شده، به طور طبیعی انتقال بخشی از آن ها به بانک مرکزی باید با رضایت بانک صورت گیرد. این رضایت ممکن است به صورت کلی از طریق درج در آیین نامه تاسیس بانک های خصوصی از جانب بانک مرکزی در برابر حمایتی که از آن ها انجام می دهد، صورت گیرد.

در فرض دوم، یعنی امانت بودن این سپرده ها نزد بانک خصوصی، آن ها را نمی تواند به بانک مرکزی قرض دهد، مگر آن که از ابتدا به صورت آیین نامه کلی شرط شود.

درباره پرسش دوم، یعنی استفاده از این اندوخته ها به وسیله بانک مرکزی، امروزه آن چه در دنیا متعارف است، بانک های مرکزی این وجوه را معطل نگاه نمی دارند؛ بلکه بخشی از آن ها را جهت تامین مخارج خود به کار گرفته یا در اختیار دولت قرار می دهند و بخشی را نیز در جایگاه وام دهنده نهایی، به بانک ها قرض می دهند.

از جهت فقهی نیز این مساله به نوع رابطه بین بانک مرکزی و بانک ها بستگی دارد. درباره بانک های دولتی اگر بپذیریم که وحدت مالکیتشان با بانک مرکزی باعث می شود بتوان اموال را از یک بانک به بانک دیگر منتقل کرد، تصرف بانک مرکزی در اندوخته ها تصرف مالکانه بوده و هر گونه بخواهد می تواند در آن ها تصرف کند؛ اما طبق مبنایی که ما اختیار کردیم، بانک دولتی همانند بانک خصوصی مالک سپرده ها بوده، بر اساس قرارداد می تواند به شکل های گوناگونی بخشی از این وجوه را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. در این صورت اگر رابطه بانک ها با بانک مرکزی

قرض باشد، بانک مرکزی مالک این ذخایر شده، می تواند هر گونه که بخواهد در آن ها تصرف کند؛ اما اگر این ذخایر، نزد بانک مرکزی امانت باشد، تصرف در آن ها بدون

رضایت بانک ها جایز نیست و اصولاً ممکن است تصرف در چنین ودیعه هایی در صورت ماذون بودن از جانب صاحبان آن ها، ماهیتشان را به قرض تبدیل کند . فرض سوم این است که رابطه بین بانک مرکزی و بانک ها، مشارکت باشد که در این صورت نیز بانک مرکزی در استفاده از این اندوخته ها مجاز است .

درباره پرسش سوم نیز همان طور که در ابتدای مقاله و بیان دیدگاه ها گذشت، در نظام بانکی ربوی هم در این جهت اختلاف نظر وجود دارد . برخی معتقدند: این مالیاتی است که بانک های مرکزی از بانک ها دریافت می کنند . گروهی نیز اعتقاد دارند که بانک مرکزی موظف است برای این ذخایر، بهره ای ولو با نرخ کم تر به بانک ها بدهد و عده ای هم بین اندوخته بر سپرده های دیداری و سپرده های سرمایه گذاری تفصیل قائل شده اند .

از جهت شرعی، این مساله همانند مساله پیشین به رابطه ای بستگی دارد که بانک ها بر اساس آن، این وجوه را در اختیار بانک مرکزی قرار می دهند . اگر این رابطه، رابطه قرض باشد، بانک مرکزی مالک این وجوه شده، به طور طبیعی، سود حاصل از فعالیت هایی که با این وجوه انجام می دهد، متعلق به بانک مرکزی است . در بانک های دولتی نیز بر مبنای وحدت مالکیت، قضیه از همین قرار است با این تفاوت که بانک مرکزی در این فرض می تواند تمام یا بخشی از سود را به بانک های دولتی منتقل کند؛ اما اگر رابطه ودیعه باشد، بانک مرکزی حق استفاده از آن ها را ندارد و باید آن ها را به صورت امانت نزد خود نگاه دارد؛ به همین هت سودی نصیب بانک نخواهد شد . بانک ها همچنین می توانند این وجوه را طبق یکی از عقود در اختیار بانک مرکزی قرار داده، طبق قرارداد در سود حاصله با بانک شریک شوند . در تمام این حالات، بر اساس این که رابطه بانک ها و سپرده گذاران رابطه قرض است، در صورتی که بانک ها سودی از بانک مرکزی دریافت کنند، صاحبان سپرده استحقاقی برای آن ندارند .

۳-۲-۲- ذخایر قانونی بر سپرده های سرمایه گذاری: در سپرده های سرمایه گذاری نیز دو صورت متصور است: یک راه این است: همان طور که در حال حاضر در قانون بانکداری بدون ربا آمده است، بانک ها به وکالت از سپرده گذاران با متقاضیان تسهیلات قرارداد می بندند. راه دیگر این است که خود بانک با سپرده گذار شریک شده یا به صورت عامل مضاربه، خود به طور مستقیم به فعالیت اقتصادی اقدام کند و سرانجام، سود بر اساس قرارداد بین آن ها تقسیم می شود. در هر یک از دو راه، سپرده ها نزد بانک، امانت است؛ به همین جهت هم هر گاه بدون تقصیر، خسارتی به آن وارد شود، بانک ضامن نیست. در این صورت نیز نگه داشتن بخشی از آن ها به وسیله بانک مرکزی که مستلزم به کار نیفتادن آن بخش از سرمایه است و به طور طبیعی، سود کم تری را هم برای سپرده گذار خواهد داشت، نیازمند اجازه سپرده گذار خواهد بود که البته در این جا هم آگاه ساختن او از آیین نامه های بانک و الزامات آن در برابر بانک مرکزی و اقدام شخص به سپرده گذاری، کاشف از رضایت او به این کار است. در هر صورت، بانک طبق قرارداد خود با بانک مرکزی، این ذخایر را از جانب سپرده گذار به بانک مرکزی قرض می دهد یا در آن جا امانت می گذارد یا به صورت مشارکت در اختیار آن قرار می دهد. این امکان هم وجود دارد که در راه دوم، بانک ها ذخایر قانونی را از محل وجوه متعلق به خود تامین، و تمام سپرده ها را سرمایه گذاری کند. استفاده از این ذخایر به وسیله بانک مرکزی، همانند ذخایر سپرده های دیداری و پس انداز به نوع رابطه بانک مرکزی و بانک ها بستگی دارد با این تفاوت که بانک ها، وکیل سپرده گذارند.

هرگاه بانک ها به وکالت از جانب سپرده گذاران، این وجوه را به بانک مرکزی قرض دهند (به جهت این که بانک مرکزی در آیین نامه تاسیس بانک ها آن ها را به انجام

چنین کاری موظف کرده و در نتیجه، بانک‌های دولتی نیز هنگام قرارداد با سپرده‌گذاران آن‌ها از این مساله آگاه می‌کنند و برای این کار از آن‌ها اجازه می‌گیرند (بانک مرکزی مالک این وجوه شده، می‌تواند با آن‌ها هر گونه فعالیت را انجام دهد و سود حاصل از آن نیز متعلق به خود او است؛ اما در صورتی که بانک‌ها این ذخایر را به وکالت از صاحبان آن‌ها نزد بانک مرکزی امانت گذارند، بانک مرکزی نمی‌تواند در آن‌ها تصرف کند و سودی در کار نخواهد بود.

فرض دیگر این است که بانک‌ها این وجوه را براساس قرارداد مشارکت در اختیار بانک مرکزی قرار دهند در این صورت، بانک مرکزی با این وجوه به سرمایه‌گذاری اقدام کرده یا آن‌ها را در اختیار بانک‌های دیگر قرار می‌دهد و درصدی از سود آن‌ها را به بانک‌ها برمی‌گرداند. این سود نیز مانند سودی که بانک از دیگر سپرده‌هایی که خود به وکالت از سپرده‌گذاران در اختیار متقاضیان تسهیلات گذاشته یا خود به طور مستقیم به سرمایه‌گذاری اقدام کرده، پس از کسر حق وکالت بانک‌ها، بین صاحبان سپرده تقسیم می‌شود.

درباره سپرده‌های سرمایه‌گذاری، تفاوتی بین خصوصی یا دولتی بودن بانک‌ها نیست؛ زیرا هر دو وکیل سپرده‌گذاران هستند و مالکیتی بر سپرده‌ها ندارند. تفاوت فقط در فرضی است که گفته شد بانک‌ها به وکالت از صاحبان سپرده، بخشی از آن‌ها را به بانک مرکزی قرض دهند. در این صورت، در فرض دولتی بودن بانک‌ها، بانک مرکزی می‌تواند بخشی از سود حاصل از ذخایر را در اختیار بانک‌های دولتی قرار دهد.

خلاصه این که در سپرده‌های دیداری و پس‌انداز، مشهورترین رابطه بین سپرده‌گذاران و بانک‌ها، رابطه قرض است که در این صورت، بانک‌ها مالک سپرده‌ها شده، هر نوع فعالیت را می‌توانند با آن‌ها انجام دهند و فقط ضامن اصل سپرده‌ها هستند؛

اما در سپرده های سرمایه گذاری، این رابطه وکالت یا شرکت است که در هر صورت، اختیارات بانک در آن ها طبق قرار داد است .

رابطه بانک ها و بانک مرکزی در سپرده هایی که مالک آن ها می شود اصالتاً، و درباره سپرده های سرمایه گذاری به صورت وکیل، می تواند رابطه قرض یا شرکت باشد که در سپرده های اخیر، سود دریافتی پس از کسر حق وکالت بانک، نصیب سپرده گذار خواهد شد .

نتیجه گیری و خلاصه:

ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی در ایران عبارتند از: ابزارهای مستقیم و ابزارهای غیرمستقیم و ابزارهای مستقیم عبارتند از: کنترل نرخ های سود بانکی و سقف اعتباری؛ و ابزارهای غیر مستقیم عبارتند از: نسبت سپرده (ذخیره) قانونی، نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و عملیات شبه بازار باز. بانک ها موظف اند در صدی از سپرده های دیداری و غیر دیداری را به عنوان سپرده های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه گذارند. می توان گفت سپرده قانونی به دو منظور وضع شد: ۱. تامین امنیت سپرده ها و حمایت از بانک ها به وسیله بانک مرکزی هنگام مواجهه با خطر ورشکستگی ۲. اعمال سیاست پولی و کنترل حجم پول از این طریق. در ابتدا، هدف از برقراری چنین مکانیزمی حمایت از سپرده های عامه نزد بانک ها بود، تا بانک ها که هدف آن ها حداکثر کردن سود می باشد، کل سپرده های مردم را به خطر نیندازند. اما به تدریج بانک های مرکزی بویژه در کشورهای در حال توسعه با تغییر در نسبت سپرده های قانونی، حجم منابع آزاد بانک ها را تغییر داده اند و موجبات تحدید یا توسعه اعتبارات بانکی را فراهم آوردند.

ذخایر قانونی از نظر فقهی را می توان در ذخایر قانونی بر سپرده های دیداری و پس انداز و ذخایر قانونی بر سپرده های سرمایه گذاری بحث کرد. درباره سپرده های

سرمایه گذاری، تفاوتی بین خصوصی یا دولتی بودن بانک ها نیست؛ زیرا هر دو وکیل سپرده گذاران هستند و مالکیتی بر سپرده ها ندارند . تفاوت فقط در فرضی است که گفته شد بانک ها به وکالت از صاحبان سپرده، بخشی از آن ها را به بانک مرکزی قرض دهند . در این صورت، در فرض دولتی بودن بانک ها، بانک مرکزی می تواند بخشی از سود حاصل از ذخایر را در اختیار بانک های دولتی قرار دهد . در سپرده های دیداری و پس انداز، مشهورترین رابطه بین سپرده گذاران و بانک ها، رابطه قرض است که در این صورت، بانک ها مالک سپرده ها شده، هر نوع فعالیتی را می توانند با آن ها انجام دهند و فقط ضامن اصل سپرده ها هستند؛ اما در سپرده های سرمایه گذاری، این رابطه وکالت یا شرکت است که در هر صورت، اختیارات بانک در آن ها طبق قرار داد است .

رابطه بانک ها و بانک مرکزی در سپرده هایی که مالک آن ها می شود اصالتا، و درباره سپرده های سرمایه گذاری به صورت وکیل، می تواند رابطه قرض یا شرکت باشد که در سپرده های اخیر، سود دریافتی پس از کسر حق وکالت بانک، نصیب سپرده گذار خواهد شد .

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع و مأخذ:

۱. تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نی، پانزدهم، تهران.
۲. توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول: ۱۳۷۵.
۳. رفیع خان، شاهرخ، تحلیل اقتصادی از یک الگوی مشارکت در سود و زیان، به نقل از کتاب مطالعات نظری در بانکداری بدون ربا.
۴. فراهانی فرد، سعید؛ سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸.
۵. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۶. کميجانی، اکبر، سیاست‌های مناسب در جهت تثبیت فعالیتهای اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، اول، تهران، ۱۳۷۷.
۷. گلریز و ماجدی. ۱۳۶۷. پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری. مؤسسه‌های بانکداری ایران.
۸. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی؛ پول و بانکداری و نهادهای مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۹. موسویان عباس، بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و اقتصادی، پنجم، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. موسویان، عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، دارالثقلین، قم، سوم، ۱۳۸۰.
۱۱. سیدعباس موسویان: بانکداری اسلامی، ص ۲۹۳ و ۲۹۴، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، دوم، ۱۳۸۰.

۱۲. باقر قدیری اصلی: پول و بانک، ص ۹۶، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶؛ محمدبهمند و محمود بهمنی: بانکداری داخلی ۱، ص ۳۷، ۶۶ و ۱۰۱، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. سیدحسن بجنوردی: القواعد الفقهیه، مؤسسه اسماعیلیان، الرابعة، قم: ۱۳۵۵ ش، ج ۵، ص ۲۰۵؛ قانون مدنی ایران، ماده ۶۴۸، نقل از سیدحسن امامی: حقوق مدنی، نشر کتابفروشی اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۲.
۱۴. محمد علی تسخیری: «سپرده های بانکی» (تطبیق فقهی)، فقه اهل بیت، ش ۲۵، ص ۵۹؛ حسن عبدالله امین: سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن، ص ۱۹۷-۲۰۳، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
۱۵. عبدالرزاق سنهوری: الوسيط فی الشرح القانون المدنی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۵۲ م، ج ۵، ص ۴۲۸؛ علی جمال الدین عوض: عملیات البنوک من الوجهة القانونية، طبعة مکبرة، قاهره، ۱۹۹۳ ص ۴۰.
۱۶. حسین علی احمدی، «ربا و منفعت در عقود بانکی»، در مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۱.
۱۷. سید محمد باقر صدر: البنك اللاربوی فی الاسلام، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، الثامنة: ۱۴۰۳ ق.
۱۸. روح الله الموسوی الخمينی [الامام]: تحرير الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ج ۲.
۱۹. سعید فراهانی: سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا، ص ۱۴۰.
۲۰. محمد بهمند و محمود بهمنی: بانکداری داخلی (تجهیز منابع پولی)، مؤسسه بانکداری اسلامی، تهران.

پی‌نوشت‌ها

۱. (برانسون، ۱۳۸۸، ص ۴۴۴)

۲. ر.ک: نودهی، ۱۳۸۷.

۳. سیدحسن بجنوردی: القواعد الفقهیة، مؤسسه اسماعیلیان، الرابعة، قم: ۱۳۵۵ ش، ج ۵، ص ۲۰۵؛ قانون مدنی ایران، ماده ۶۴۸، نقل از سیدحسن امامی: حقوق مدنی، نشر کتابفروشی اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴. محمد علی تسخیری: «سپرده های بانکی» (تطبیق فقهی)، فقه اهل بیت، ش ۲۵، ص ۵۹؛ حسن عبدالله امین: سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن، ص ۱۹۷-۲۰۳، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.

۶. سید محمد باقر صدر: البنك اللاربوی فی الاسلام، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، الثامنة: ۱۴۰۳ ق، ص ۸۴.

۷. روح الله الموسوی الخمينی [الامام]: تحرير الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ج ۲، ص ۶۱۶، مساله ۳ و ۶.

۸. سید محمد باقر صدر: البنك اللاربوی فی الاسلام، ص ۲۱۰-۲۱۲، ملحق ۵.

۹. ر.ک: سعید فراهانی: سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا، ص ۱۴۰.

۱۰. سید محمد باقر صدر: البنك اللاربوی فی الاسلام، ص ۲۱۰-۲۱۲، ملحق ۵.

۱۱. محمد بهمند و محمود بهمنی: بانکداری داخلی - ۱ (تجهیز منابع پولی)، مؤسسه بانکداری اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳.

۱۲. (۳۹) محمودرضا خاوری: حقوق بانکی، ص ۱۴۶، سوم، ۱۳۷۵ ش.

۱۳. همان، ص ۱۵۵.

۱۴. مستفاد از مقاله محمد واعظ زاده خراسانی تحت عنوان «طرح های جدید برای حل مشکل بانک ها»، در نخستین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، ج ۳، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

